

ولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول میثاق های بین المللی که
مستأن به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را
بت می کند.

ولت از هر نوع اعمال تروریستی زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و
مال مسکرات جلوگیری می کند.

ماده هفتم قانون اساسی

سال تاسیس ۱۳۰۶

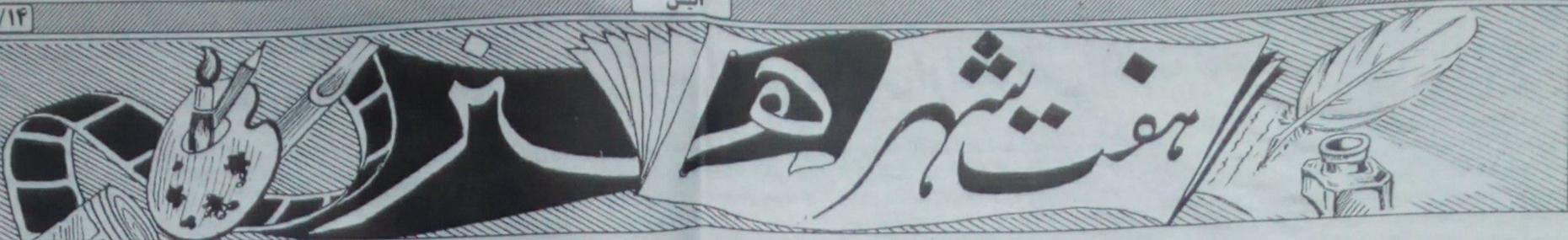
Ketabton.com

نمبر مسلسل ۱۶/۱۵

پیت انتخاباتی تلاش نماید

آینده بهتر در حرکت است.
در این نشست، مسئولان رسانه
های خصوصی و دولتی صحبت
کردند و نظریات و پیشنهادات
شانرا مطرح نمودند و از توجه
حاصله مندی و حمایت رئیس

انتخاباتی می گردد، گفت که در
دور دوم انتخابات نیز باید از
جانب مطبوعات کوشش اعظمی
صورت گیرد تا انتخابات در این
دور نیز در فضای صمیمیت بین
دو نامزد و همکاران شان به پیش



مبحث کلی در باره هنر و هنرمند

اکنون تخمین شده است که هرگاه قدرت و ظرفیت های تولیدی و دست آوردهای علمی و تخنیکي به نفع همه بشریت، بدون استثناء مورد استفاده قرار گیرد، تمام مردم مسکون در سیاره ما می توانند به راحت و آسودگی زندگی کنند. پس باید این اصل عالی بشردوستانه و راهبانه را که: «همه چیز به خاطر انسان و به نفع انسان» به حیث شعار روز تمام بشریت مترقی و نوع دوست قرار گیرد.

واقعاً دگرگونی های که از یکی دو قرن اخیر تا الحال در ساحة وسیع حیات بشر روی داده، رابطه هنرمند را با اجتماع شایسته و بایسته تأمل و تحقیق تازه ای کرده است. انگیزه اساسی این تحولات، در حقیقت آگاهی افراد از حقوق و وظایف شان می باشد و منظور اصلی شان تشکیل جوامعی است که بتوانند از منافع خود دفاع کنند. در واقع انکشاف ساینس و تکنالوژی افراد بشر را به یکدیگر نزدیک تر کرد و اجتماعات بزرگ به میان آمدند، مردم از وضع هم دیگر آگاهی یافتند و به منافع مشترک خویش پی بردند و در صدد آن شدند که با اقدام مشترک از خود دفاع کنند. هنرمند قبل از آن که هنری بنماید، عضو جامعه خود است و ناگزیر از سود و زیان

اجتماع متأثر می گردد. پس هرگز نمی تواند که با امور اجتماعی ارتباط نداشته باشد و این مناسبات حتماً در آثار او تبارز می کنند. وضع و موقعیت هنرمند امروز با هنرمند سابق با کلیت تفاوت دارد. زیرا در گذشته هنرمند پیشین با اکثریت عظیم توده عامه کدام ارتباطی نداشت به خاطر آنکه در جوامع انکشاف یافته بزرگ چون امروز وسایل ارتباط جمعی مانند چاپ، رادیو، تلویزیون، سینما، انترنت، روزنامه ها، جراید و مجلات وجود نداشت و ازین رو هنرمند نمی توانست آثار هنری خود را به تعداد کثیر مردم عرضه و در عوض پاداشی از ایشان بخواهد.

البته اشتغال به هنر نیز به او مجال نمی داد که افزون بر هنر کدام پیشه دیگری هم برایش انتخاب و اختیار می کرد. تا معاش خود را از آن مدرک به دست آورده می توانست، پس ناچار به طبقه حاکم می پیوست و آن طبقه را خدمت می کرد.

چهل و بی خبری عامه نیز باعث می شد که با آثار او آشنا نشوند. احیاناً اگر یکی از افراد عامه قابلیت ادراک آثار هنرمندی را پیدا می کرد، خود را از دیگران ممتاز می دانست و به خواص تقرب می جست و در منافع خود با ایشان اشتراک می نمود.

اما برعکس عرفای بزرگ ما چون ابوالمجد مجذوب حکیم «سنایی» غزنوی، مولانا جلال الدین محمد «بلخی»، عبدالرحمان «جامی» هروی و میرزا عبدالقادر ابوالمنانی «بیدل» هنر خود را در خدمت مردم قرار دادند و به مقتضای زمان برای اصلاح تا به سامانی ها، عقایدشان را هنگامی به

کنابه، وقتی به صراحت، گاهی با استعارات تعزلی، زمانی با عبارات تند انتقادی اظهار می داشتند.

هنر: هنر نوع معینی از آگاهی اجتماعی است و هدفش انعکاس درست و دقیق واقعیت و کارکردش بهره گیری از نمر شناخت در عمل است. در واقع «هنر آینه حقیقی زندگی است» بهوون می گفت: «هنر و دانش تنها وسیله درک زندگی عالی تر و یگانه واسطه دل داری و تسلی است.»

حقیقت زندگی به وسیله هدف های هنری به دست می آید. زیرا هنر در حقیقت نتیجه سعی و کوشش انسان برای ایجاد زیبایی است، نقاشی، بیکترائی، معماری، موسیقی و شاعری همه از فنون هنر است. بدین منظور گفته می توانیم که این فنون جز تجسم و ایجاد زیبایی هدفی ندارد.

هنر باید برای مردم اختصاصی باشد؛ شوپنهاور مدعی بود که: «زبان گران بها ترین میراث

آزاد و ترقی است. اثر زیبای هنری صورت مجلس نیست. نباید واقعیتی را تثبیت کند، بلکه باید آن را دارای مفهوم نماید، تشریح کند و از عمق روشن و تصریح نماید. زیبا چیز است که جالب و خوشایند است. اگر چه به ظاهر در زندگانی عملی سودی از آن متصور نیست. اما با چیزها هست که هم زیبا و هم مفید است و انسان از دیدن شان محفوظ می گردد. هنر و ادبیات ما پیوند آبدی با سرنوشت مردم دارد و کارش تنها تثبیت و منعکس نمودن بحران و مبارزه نیست، بلکه می خواهد در پرخاش های عطیعی که میان نیروهای متضاد اجتماعی درگیر است نقش فعال ایفا کند.

ارسطو هنر را تقلید طبیعت می دانست بر حسب این باور وظیفه هنرمند آنست که طبیعت را هر چه نیکوتر مجسم کند. پس طبیعت است که زیباست و زیبایی هنر نتیجه تقلید آن زیبایی است و درین معنا گفته اند

هنرمند کسی است که با عواطف، اندیشه ها و احساساتش جهانی پدید می آورد، جهانی که خاص او، برداشت های او و زنده به جان اوست هر یک از نمود(پدیده) طبیعت یکی از مظاهر روان هنرمند است. این جهان برای دیگری کاملاً نا آشناست، مگر آن که از روزنه چشم آفریننده آن به آن بسیاری را به او ببیند، خود را به او ببیند و با او درین عالم

یک ملت است و مانند یک اثر هنری، ظرفیت و پیچیده، خیلی زود صدمه می پذیرد و احتیاج به مواظبت دایمی دارد. بعد از باور نیست بگویم، آنجا که زندگی جریات دارد هنر جلوه می نماید. فرانس سواد به قاطعیت اظهار می داشت که: «هنر قدرت است.» آنچه درین زمینه نیازمند تأمل است، اینست که: استعداد قوی، تکرش پر تکابوی عمیق، درک دقیق و ابتکار انسان برای ایجاد زیبایی به اثر هنری شکوهندگی و ارج خاصی می بخشد. نباید فراموش کرد که صنعت بارز و علائم عمومی که اصول هنر را تشکیل می دهد همانا توضیح و تشریح واقعیت های عینی، طبیعی و اجتماعی است و درین راستا ترقی و تکامل باید هدف اولیه هنرمندان حقیقی باشد.

ماکسیم گورکی درین مورد چه سخن دایهانی می گفته بود که: «معنای حیات را باید در زیبایی و قدرت از آن جستجو کرد.» از همه شگفتی آور اینست که تمام انواع هنر برادران یکدیگرند یعنی، با هم ارتباط نا گسستی و تسلل زنجیری و منطقی دارند و هر یک از هنرها بر هنرهای دیگر تأثیر ژرف داشته و بسالی هم روشایی می افکنند و کسانی که در آثار هنری قیافه واقعیت را برهنه تر و زیباتر می بینند متفکرین و نوابغ نبینند.

روشن و هویداست که هنر به زندگی نشاط و شوکت می بخشد و از همین جهت است که توأم با دگرگونی های اجتماعی، سیمای هنر نیز درخشش ویژه ای پیدا می کند. هر آن باید در نظر داشت که در هنر هم مانند سایر نمودهای اجتماعی، هدف فقط و فقط

او و دیگران از آن لذت می برند. هنرمند اغلب بر داشته و آرزو های خویش را در آثار خود بیان می کند یا اینکه هنرمند مایه هنر را از طبیعت و زندگی می گیرد و مشاهده و تجربه اساس کار اوست.

پس وظیفه هنرمند طلب زیبایی یا تصویر آن برای ماست. هنرمند برای ابداع آثار خود از عالم خارج مایه می گیرد و از هنر او این توقع می رود که با تحمل دشواریها، ارمان ارزشند و گرانبایی به جامعه اهدا کند.

چون هنرمند خود به جامعه بشری تعلق دارد و عواطف او عواطف بشری است. هنر موسیقی به معنای واقعی آن از نگاه مردم و نیازمندیهای کشور لازم است.

موسیقی باید مانند یک دژ مردمی باشد. تأثیر بخشی اثر هنری در آنست که یک نوع شگفتی و تحیر می آورد مانند حالت کسی که گویا به خواب می رود. درین حالت تماشا گر بیننده، شنونده و خواننده از حالت عادی و علایق دیگر فارغ می شود و خود را یکباره به هنرمند و هنرش می سپارد تا او را به آنجا که می خواهد رهبری کند.

موضوع های هنر به اندازه طبیعت و زندگی وسیع، پرهیز، متنوع و گونه گون است. هنرمند مترقی با تکرش و داشتن آرمان والای اجتماعی همیشه اوقات افشای وسیع و دور تر را در نظر دارد و برای رسیدن به آن هدف است که از هنر خود استفاده می کند و هنر خود را به نفع مردم و اجتماع قرار می دهد.

از یکنه شاعر، نویسنده و هنرمند در اجتماع زندگی می کند و اعضای جامعه خود اند و ناگزیر از حوادث و اوضاع اجتماعی متأثر می گردند و بهترین نویسنده، شاعر و هنرمند آنست که درد های عمومی اجتماعی را در آثارشان بازتاب نماید و در مقابل ظلم، استبداد و بی عدالتی، مردم را به پرخاش بخواهد.

البته امروز همه می دانند که هنرمندان به ویژه شاعران و نویسندگان آگاه و با احساس نمی توانند نسبت به مسائل اجتماعی بی اعتنا باشند و احیاناً اگر به بهانه های مختلف خود را از اجتماع کناره گیرند و ادعای بیطرفی کنند، فر آورد های شان مورد پسند مردم نخواهد بود. یک نگاه گذرا بر سیر تحولات هنر نمایانگر این حقیقت است که دگرگونیها در پرورده هنر مانند علم، دانش و ادب تدریجی بوده و بر اثر اطلاع از مقدمات متوالی کمال مطلوب حاصل شده است.

با کشف رنگ روغنی و معلومات هنرمند از ابزار جدید، تحول بزرگی در هنر نقاشی ایجاد گردید. آشنایی با رموز سایه روشن و چگونگی تغییر پذیری رنگها در فواصل مختلف و علم مناظر و مرابا، شیوه نقاشی را کاملاً دگرگون کرد. هنرمندان با آموختن این نکات بود که توانستند شاهکار های فنا ناپذیر و ماندگار به وجود بیاورند. آنها با داشتن استعداد و مقدمات به نتایج ارجحی دست یازیدند.

تذکیر این نکته ضروریست که هر هنری مطابق قواعد و فنون مشخص خود می تواند به صورت درست و دقیق انجام یابد. بدین منظور آگاهی هنرمند از اصول و قواعد کار خود حتمی و مسلم است. ص ۶

بهار

پور محمد طبعی

جادوگر بهار چه افسون دمیده است؟ امروز باز سرخ تصویر کاینات دنیای کهنه جلوه نماید به رنگ نو گویا گرفته است ز سر دوره حیات

نقاش روز گارچه نقشی نهاده است؟ بر فرش کاینات ز گلها و سزه ها بگرفته رنگ صورت آرزنگ را به خویش دامان گوه و دشت زس گشته خوشنما

عشوه گران باغ به بزم شکوفه ها پوشیده اند جامه زریفت نقره بین هر شاخه تاج گل به سرو خنده برده سن چون دختران مست و فریبا شده حسین

افردگی ز چهره گیتی زوده شد هر خطه بی زخمی باشد طرب نما اینجا چمن جو مخمل سبز است در نظر آنجا به رنگ یا قوتی بشگفته لاله ها

ابریبار دست سخا باز کرده است باشد گهر به روی عروسان باغ و دشت رعد از کنار ایسر بسه لیخند سر کشید

کز نور شوق عقده قلبش زهم درید فریاد برکشید که تریک سال نو کفتا به یک اشاره همسوزی ترا نشان به باغ زندگی خود نهال نو

بوسه خورشید

اثر: دکتر عبدالخالق «تتها»

خورشید خجل کرده ای از تابش مهتاب باران گهر ریخته ای از در خوشاب خون موج زند در دلم از لعل بدخشان از آبی چشمان تو من آب شدم آب خورشید صفت بوسه نسیم بر گل رویت زیرا که عیان دیدن تو خواب بود خواب

عطر تو برانگنده بسه دهلیز و بسه دفتر...

چشمان همه حیران شده دل ها همه بیتاب دستمال شوم موی و بناگوش تو بسوسم «گیلاس» شوم تا بگذاری به می ناپ شیرین ترین مصرع شعر و غزل هستی: سیمین تن و خورشید وش و اطلس و کمخواب

سرد است نسیم پیتو آشوش کجاشد؟ در فصل خنک گرم شدن بساب بود باب «تتها» تو میان غزل خویش نشان شو: عرضت برسان خواجه بگو حال تو دریاب

کبر زر لری زوال

شاه محمود درویش

ترخو به ستا خوانی وی او ز ما دمینی سوال ترخو به ستاد حسن وی روپانسه دا مشال ترخو به ستانازونه کړې چې خود زرونه بی حال ترخو به ستا بنایست گوی لاهره ورخ کمال ترخو به ستا نیمکی نظر لا زرونه کسری ملال ترخو به ستا خوری زلفی به سپین مخ وهی تال ترخو به ستا گلپن وی ستا به دی حسن سمبال ترخو به دی لاخوند گوی به لنډې زنی خال ترخو به ستاد سروی به خیر قذوی مال او مال

ترخو به دا مین زرونه له نا اخلی احوال دحسن پسرلی دی به هر جا بانندی تیریری غرور هیخ به کار نه دی نه به حسن نه به مال دی وار ه ختمیدونکی دی فانی دنیا کی گوره پایبست لری هر چا لره مدام غوره اعمال زما هیله یواری ناسره ده بس دمینی حسینی کبرمه کبره کبر زر لری زوال درویش نه خپله مینه له هر څه ځنی درنه ده له هر څه نه تیر بړه نن یی و منه وصال

معرفی کتاب

به تعداد یک هزار نسخه، در بهار سال روان به چاپ رسید...

در صفحه ۱۹۴ این کتاب زیر عنوان «واقعیت دیگر» چنین نگاشته شده است: «کسانی که برای منافع ملی، ارزش های افغانی و سرزمین افغانستان حاضر اند آزمون دهند...

برای این مورد مهم، موضع گرفته اند، باره است تا تکرش بر آنان را با ولایت دیگر، عیار سازیم...

قابل یاد آورست که انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان علاوه بر چاپ این اثر به چاپ و نشر ده ها کتاب ادبی و فرهنگی در سراسر کشور گماشته و در این راستا تاسله چاپ این اثر را که...

خدمتی برای فرهنگستان کشور محبوب می گردد، به توفیق خداوند مسان ادامه دهد تا در تئور اذهان عامه کشور سیم بران زنده خود را داشته باشد.

خوانش کتاب افغان نامه را که معرفی تعدادی از شخصیت های نخبه کشور است، و سایر آثار تاریکی که از قلم بدستان کشور تراوش می نماید، بعید از مفاد نمی دانیم. ■



کتاب افغان نامه اقبال چاپ یافت کتاب افغان نامه که تأملی بر شخصیت، زندگی و کارنامه های شماری از نخبه گان افغانستان است، توسط مصطفی عمرزی گرد آوری شده و از سوی انجمن شاعران و نویسندگان اقبال چاپ یافت.

این اثر با قطع و صحافت زیبا که در برگیرنده تصاویر و شرح زندگی شخصیت های کشور می باشد در یکصد و یک صفحه

محيط پاک، زنده گی سالم

به مناسبت ۱۵ جوزا روز جهانی محيط زيست

محيط زيست و ضرورت حفظ آن برای انسان

پاینده محمد رهياب

صاحب عقل و خرد می طلبد که در این مورد بی تفاوت نبوده و صحت را که ارزشمندترین نعمت الهی است، در اثر غفلت از دست ندهند. با وجود این همه تأکیدات دینی و هشدارهای علمی راجع به پاکي و نظافت، مایه تأسف است که باز هم می بینیم، محیط زیست مسلمانان آنطوری که شایسته است از نظافت برخوردار نیست.

اکنون که ضرورت حفظ محیط زیست، از نگاه علم و دین آشنایی گردید، بر تمام اصناف و اقشار جامعه لازم است که در حد توان، به حفظ و نگهداری محیط زیست بکوشند و در این راه احساس مسئولیت کنند.

به منظور موثریت تلاش در جهت حفظ محیط زیست، دولت با همکاری اصناف مختلف، کارهای ذیل را می تواند انجام دهد:

- ۱- کارگاه های دارای دود غلیظ مانند: داش های خشت پزی و فابریک های تولید محصولات صنعتی را در بیرون شهرها و دور از مناطق مسکونی، احداث کنند.
- ۲- از تردد عراده جات دودزا و تاریخ گذشته در سطح شهرها جلوگیری نمایند.
- ۳- مردم، خود از انداختن کتافات در آب روان و زباله ها در کوچه و خیابان، اجتناب نمایند.

به دیگر مخلوقات دارد، بدون شک نظافت و پاکي از مهم ترین آن است از همین جاست که اسلام به عنوان دین کامل و مطابق فطرت بشر، به صورت جدی این موضوع را مورد تأکید قرار داده و مسلمانان را مکلف به رعایت آن نموده است.

چنان که حضرت محمد (ص) فرموده اند: «النظافت من الايمان» یعنی: پاکیزگی جزء ایمان است. از مفهوم حدیث فوق افاده می شود که بدون رعایت نظافت و پاکي در بدن و محیط زیست، ایمان مسلمان کامل نمی شود و اسلامیت شخص زیر سوال قرار می گیرد.

از اینکه در اسلام هیچ حکم و دستوری بدون دلیل نبوده و مخالف اصول علمی نیست، دقیقاً تأکیدات اسلام در مورد پاکي و نظافت، با یافته های علم طبابت مطابقت دارد. امروزه که این همه سر و صدا برای حفاظت محیط زیست در سطح مقامات بالایی کشورهای جهان و متعلقه وجود دارد، دلیل آن را ناسازگاری

بحث ما در مورد محیط زیست و ضرورت به حفاظت آن است محیط زیست یا جای بود و باش از لحاظ اندازه و مساحت به انواع ذیل تقسیم می شود:

- ۱- محیط یا چهار دیواری خانه.
- ۲- محل تجمع مردم مانند: مکاتب، مساجد، دفاتر، شفاخانه ها و کارگاه ها.
- ۳- جای تفریح و رفع خستگی مانند: پارکها و باغها.
- ۴- شهرها یا محل داد و ستد و معاملات مردم.
- ۵- وبالآخره سرزمین وسیعی که به آن، کشور یا وطن اطلاق می گردد. حالا که محیط زیست را شناختیم، زمان آن فرا رسیده است تا بدانییم حفاظت از آن، چگونه صورت می گیرد. اگر خواسته باشیم به صورت کامل و مؤثر از محیط زیست مان در سطوح مختلف حفاظت نماییم، ناگزیر هستیم باید به پاکي و نظافت عناصر سه گانه که عبارت اند از: لباس و بدن انسان آب و مسواک خوراکی و هوای ما را بشود، توجه جدی داشته باشیم

ما باید نظافت را برای حفظ محیط زندگی مان از خود آغاز نموده و بعد در سطوح بالاتر مانند: خانواده، مکاتب و مدارس، پارکها و شهرها و سراسر کشور سرایت بخشیم اگر چنین نکنیم، زندگی مان به

برماست که در پاکي شهر و محيط زيست خود اقدام نماييم

د. پروین

شاروای کابل و دیگر از گانه های دیرینه، قرار دارد و هر اقدامی که درین راستا به خاطر کاهش آلودگی هوا و پاکي محیط زیست صورت گیرد قابل قدر است. باید یادآور شد که بعضی از شهروندان ما، نه تنها همکاری با شاروای و نهادهای دیگر نمی کنند بلکه با بی توجهی در برابر فعالیتهای این نهادها می گردند. وقتی که شهر داری زباله دانی های بزرگ را در هر کج و کنار

بدبختانه از اقتصاد ضعیف و ناتوان نیز رنج می برند. زیرا پول کافی برای تدایو مریشان خود را نداشته بدین ترتیب شیوع مرض در ساحه و منطقه گسترش بیشتر می یابد.

بنابراین در اندک ترین بی توجهی در قبال محیط زیست در قدم اول صحت اعضای خانواده به خطر جدی مواجه گردیده و در چالش جدی تو می کشاند با این

فصل بهار غرس و از آب و آبیاری مستفید شده اند و به مرور زمان به چوب خشک تبدیل گردیده اند. این همه بیلا تکلیفی از گانه های مسئول و عدم همکاری دلسوزانه مردم سبب گردیده است تا محیط زیست ما از هر جهت آسیب پذیر گردد.

حفاظت از محیط زیست مسئولیت همگانی و راهکار جلوگیری از سرک تدریجی می باشد. برخورداری از محیط

آلودگی هوا نه تنها زندگی انسان بلکه تمام موجودات زنده را به خطر مواجه می سازد. هر ماده بی که وارد هوا شود، خواص فیزیکی، کیمیاوی و زیستی آن تغییر می کند و به چنین هوای تغییر یافته هوای آلوده می گویند. وسایل گونه گون گرمازا، بخاری های چوب سوز، سنگ زغال، چوب ارچه و لوط، رابرو... وسایط مختلف نقلیه نیز از عوامل آلوده کننده هوا هستند. گاز سمی کاربن مونو اکسید که اکثراً از سوخت زغال سنگ و عراده جاتی است که مصرف سوخت آنها تیل دیزل می باشد، خصوصاً موتورها کهنه و استهلاک شده، ذرات آلوده کننده معلق در هوا که به طور عمده از سوخت گاز به وجود می آید و پروماید سرب که در نتیجه مصرف نفت از وسایل نقلیه حاصل می شود، اغلباً دارای موادی است که به خاطر بهتر سوختن به آن اضافه می شود. این ماده هنگام سوختن مواد نفتی باعث پراکنده شدن ذرات جامد و معلق ترکیبات



جاده و کوچه ها گذاشته اند تا مردم انبار کتافات را داخل آن بپزند! اما با انداختن مواد فاضله در بیرون از زباله دانی باعث پخش سریع مواد باطله و کثیف در محول آن می گردند که این کار سبب تکثیر و انتشار میکروب و حشرات مضره در محیط و منطقه می شود و هم مشکل شاروای را چندین برابر افزایش می دهد. این یک واقعیت است که هیچ نهادی به تنهایی توان مبارزه با آلودگی هوا و پاکي نگهداشتن محیط زیست را ندارد. بدون همکاری شهروندان و مسئولان ذریعۀ فایق آمدن به این مأمول امکان پذیر نخواهد بود. پس برعکس که تادست به دست هم داده در کنار پاکیزگی شهر و کاستن از آلوده سازی هوا با هم همکاری نماییم تا میزان تراکم کتافات در زمین و هوا کاهش یافته صحت و سلامتی جامعه و مردم خود را در فضای شهر پاک و زیبا و هوای خوشگوار و دل آرا به جستجو بگیریم.*

حالت رفته رفته هوای تنفسی را که حیات انسان کاملاً وابسته به آن است آلوده و میکروبی ساخته زنده می نمود مردم را به خطر سرک رو در رو می نماید. در این حالت امراض تنفسی به شدت در حال افزایش بوده و گراف افراد مصاب به این امراض با گذشت هر روز، صعود می کند. این درحالیست که برخی اعضای دولت رسماً مسئول اند تا در زمینه نظافت پاکي و کاهش آلودگی محیط زیست به شکل جدی اقدام کنند. بنابرین چندین بار اعلام گردید که از ورود موتورها ده سال پیش تر از مودل سال جلوگیری شود ولی حرفی بود و عمل دیده نشد. به تعقیب آن روزهای پنجشنبه در شهر کابل رخصتی اعلام گردید؛ اما به نظر نمی رسد که این تصمیم کافی باشد.

آلوده گی محیط زیست به عنوان یکی از چالش های اساسی مقابل شهر یان عزیز، دولت و به ویژه، مسئولین حفاظت از محیط زیست، وزارت صحت عامه،

زیست سالم و مطلوب، حق مسلم هر شهروند است، آلودگی محیط زیست در کشور، به ویژه در شهر کابل روز به روز در حال افزایش است. این درحالیست که گرمای تابستان درجه حرارت هوا را روز به روز به بالا ترین سطح می رساند در اثر گرمایش هوا و ازدیاد کتافات و زباله در هر گوشه و کنار شهر زندگی اکثر ساکنین پایتخت در حالت ناگوار قرار می گیرد. هستند خانواده هایی که حتا توان پرداخت کرایه سه اتاق ویایش ترازان را ندارند که با تمام اعضای خانواده در یک اتاقی دو اتاق زندگی می کنند. در اثر بوی تعفن که از زباله دانی به هوا پراکنده می شود، ویالز تراکم و تکثیر انواع میکروب ها که در زباله دانی ها در محول و محیط زیست انتشار می یابد. بعضی از اطفال خانواده ها را مصاب می سازد در نتیجه آن به تمام اعضای خانواده سرایت نموده همه را به بریختی های مختلف دچار می گرداند. چنین خانواده ها

سرب در هوایی بود که هم سبی اند و هم به صورت رسوب های جامد وارد دستگاه تنفسی می شوند. کتافات و وسایط تاریخ گذشته به نوبه خود محیط زیست را آلوده ساخته و از جانب دیگر تراکم و سردی و ایجاد راه بدن های در از مدت همه روزه، تاثیر مستقیم بر افزایش آلودگی محیط زیست این شهر دارد. وارد کردن مواد نفتی بی کیفیت و ناخالصی، روشن ماندن این وسایط در راه بدن ها سبب تولید گازهای مضره گردیده و هوای شهر را بیشتر آلوده می سازد. همچنان استفاده مواد سوختی دستگاه های صنعتی، حمام ها و نانوایی ها که چوب، سنگ زغال و سایر رابرا استفاده می کنند، در آلوده سازی هوای شهر رول مستقیم خود را داشته و باعث امراض مختلف می گردد. نبود ساحه های سبز و عدم غرس نهال در اکثر نقاط شهر که خانه های خود سر اعمار گردیده است. بای تو جیبی به نهال های که در شروع



۴- مردم باید بپذیرند که شهر ما خانه ماست و به اساس همین باور به گونه خانه شخصی خویش، به صفایی و نظافت شهر شان، کوشا باشند.*

گرد و خاک و دود باشد، سیستم تنفسی آسیب می بیند و زندگی در کام انسان تلخ می شود. این جاست که اهمیت حفظ محیط زیست به اثبات می رسد و از اسانهای

حیات جانوران شباهت پیدا می کند و این شایسته انسانی که خداوند (ج) او را اشرف مخلوقات معرفی کرده است نمی باشد. از جمله ویژگی هایی زیادی که انسان نسبت

سره همغاری شی او دمحیط د ساتلو له پاره لازمه توجه و کړي

دغه راز رضا کاري ډلي هم جوړي شي او زرغوني ټولني او نهادونه جوړشي په صداقت سره يوازې او يوازې د وطن په سمورنيا او زرغونتيا او صفا کيدلو کي رول ولري

نودا به دخنکولونو په جوړولو، رغاونې او احيا او تحفظ له پاره گټوروي.

ترڅو خنکولونه د محيط او خورا اغيزو لري او د انسانانو او په تيره بيا د ساري وگړو ژوند له ناروغيو څخه وژغورل شي *

دکنترول او په دي اړه د، کاربن ډاي اکسايډ امونياک او يا دميټان دغازو دتوليد او هم دسکرو دکانونو او هم د ډبرانونو او واخلو اچولو دمحللاتو اولونو په اړه په عملي توگه سمه او لازمه توجه وکړي، ترڅو دهوا دککړتيا او هم د کثافتاتو د راټولولو او دفن کولو يا سوخولو او د زرغون سمور محيط دساتلو له پاره ډيري هڅي وشي

او دهوا دتودوخي درجي دټيټوالي له پاره د زراعت او صحي (روغتيا) چارو ادارو

ځنکولونه د ژوندانه چاپيريال ساتني ستر عنصر

ميدانهادی فريشي



دځنکولونو ساتلو او تحفظ له پاره جدي او پرمختي دکلخانه بي سازونو

جوتنه ده چي بناروالي زراعت او دبنار جوړولو اداري، د محيط دساتني خانکي له يو لړ ستونزو سره مخامخ دي کيداي شي چي دوگړو او بوهانو استناد او دپوهنتونو دعلمي تعليمي نصاب (کاریکولم) دسټونځيو دنصاب دجوړولو او هم دساري پروژو جوړونکي اوبالآخره دصنعتکارانو او زراعتي چارواکيو او هتي والسو دنده ده، چي په خنکولونو، پارکونو او شنيلو د زرغون ساتلو، صفا کولو او د نيبالکيو دکينولو او

ورسره مخامخ دي. دوم داور لگيدني له کبله ضايع شوي دي، لکه په استراليا او امريکا او هم په قصدي توگه په نورستان کي دخنکولونو سوخول کوم چي د بېرنيو پټو شېکو په لاس ترسره کيږي.

درېم دلرگيو کارول په صنعتي برخوکي زيات شوي دي. څلورم: ډيري شوو بوټو، ونو پرځاي بايد نور کينودل شي چي تردي دم ورته پاملرنه نه ده شوي راولاړي شوي ستونزي ا

زموږ نري اوس مهال دچاپيريال ساتني په اړه ډيري ستونزي لري- ځکه چي لومړي ډير ځنکولونه کوم چي دميسي سي پي درود پرغاړه واقع ده اوسا د استراليا او هندوستان (شمالي او شرقي برخو او نيبال او فلپين او هم د افغانستان دنورستان اولويي پکتيا ستر خنکولونه دنه پاملرني له کبله يابوسوځيدل يا پري شول او دلرگيو ناقانونه قاچاق او په صنعت او پروس کي بي کارول- يوه لويه مهمه نړيواله ستونزه ده.

کوم چي دنري وگړي

هفت شهزاده

ابوعلی سینا کی بود

تلخیص - وفا

جسمانی اهمیت بیشتر قابل می باشد. او در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی آثار نوشته و در آن مفکوره پادشاه عادل را منعکس می سازد.

ادبیات گفتاری مردم به ادبیات نوشتاری نقش بزرگی بازی می کند. این سینا که به عقل و ادراک بهای بیشتر می دهد اما از اینکه شرایط استبدادی حکمرانان

ابن سینا از دانشمندان سترگ سده های میانه است، کارکرد های علمی وی شامل فلسفه، طب، فزیک، کیمیا، ریاضی زبان شناسی، موسیقی شناسی و... می باشد. او آثار زیاد آفرید که بعضی آثارش چندین جلد را در برمی گیرد. ابن سینا مطابق سنت زمان بسیاری از آثارش را به زبان عربی نوشت. اما از جمله آثارش دانش نامه، منطق فارسی و رساله رنگ زنی را به زبان مادری اش «دری» می نویسد و به زبان دل خواه خویش قطعات، رباعیات و غزلیات علیحده می سراید. به چکاد میراث فرهنگی و اندیشه های علمی ابن سینا باور های طبیعی و اختراعات را که او درین زمینه بدست آورده است قرار می گیرد و در محور و مرکز آثارش اثر پنج بخشی وی کتاب «القانون فی الطب» قرار دارد که تاریخ هزار ساله طبابت و آنچه را که در طول زمانه ها به آن اضافه گردیده است شامل می شود. ابن سینا با این کارش طبابت را نه فقط



در آستانه ترقی و شکوفایی قرار می دهد بلکه تا سده هفدهم در ممالک مختلف اروپا باور ها و اندیشه های طبیعی اش رکن اساسی طبابت را تشکیل می دهد. ابن سینا ساحات گوناگون طب را غنا بخشیده و علل و اسباب بیماری های گوناگون را معین و روشن می سازد. دارو های جدید را کشف می کند از طبابت مردم سودجسته و به پرورش

ابن دانشمند بزرگ به ایجاد بدیعی و هنری دست یازیده به زبان های عربی و فارسی آثار منظوم و منثور می آفرید او در آثار بدیعی و هنری خویش نظریات علمی، جهان بینی فلسفی اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و تربیتی را بیان می دارد. ابن سینا به آفریده های گفتاری مردم عشق و محبت فراوان دارد در زمینه وارد نمودن رسایی از

مستند و مرجع آن زمان مایع ترقی و پیشرفت علم و دانش می شدند به فعالیت های اجتماعی دانشمندان مروج گوناگون ایجاد می کردند با چرا های وحشت آور قرون و سغالی ایشان را شکنجه می دارند. ابن سینا مانند دیگر هم یاران خویش در بدری های فراوان را متحمل می شود به زندان می رود، شکنجه و عذاب جانگناه می بیند فراری

وطن می شود در یکی از اشعارش که به زبان عربی سروده شده با اظهار حسرت درین مورد چنین می آورد.

بزرگ گشتم ولی میدانم، ننگست بهایم زیاد گردید ولی خریدارم نیست و یا اینکه با این دوسه نادان که چنان می دانند از جهل که دانای جهان ایشان اند و یا اینکه

امروز بکن جو می توانسی گاری فردا چه کنی چون توانی گکردن در شمار آثار فلسفی و علمی ابن سینا سروده های منظومش نیز در الهای استداد و ظلمت سده ها خدمت زیادی را انجام می دهد. در واقع این سروده ها بگونه پرده ظلمت را می درند. ابن سینا با این کارش اندیشه پیشرو متری را در زمایش مطرح بحث قرار داده و با جهل و ظلمت به مبارزه برمی خیزد. از ابن سینا آثار بدیعی و هنری مثل «حی بن یقظان» و «سلامان و ابدال» و رساله الطیر نیز به یاد گار مانده است. او در قصیده فلسفی حی بن یقظان باور علم اصلاً پیرنمی شود» او دنیا را طی کرده و انسان ها را از خواب غفلت «جهالت و نادانی بیدار کرد. قصیده ابدال و سلامان که به اساس حکایات قدیم

عرب ها ایجاد شده ووقف راستی، عدالت و اراده مستقیم گردیده است. ابن سینا در رساله فلسفی و مجازی «رساله الطیر» سینا «شاه عادل» را به تماشا می گیرد. این اثر ابن سینا در منطق الطیر شیخ فرید الدین عطار و لسان الطیر نوری در سده های دوازدهم و پانزدهم تا درجه معین تاثیر داشته است. ادامه دارد

خانه دلها

دکتریم حمید

طفل اشکم گاه به شادی، گاه بغم ها می رود گاه میان جمع، گهی بی یار و تنها می رود کاروان با کاروان، منزل به منزل، همچوقبیس سر به صحرا می زنی، دنبال لیلای رود آه سرد از سینۀ پُردرد ما سرگرد بیرون نزه ذات دادگر، برداد دلها می رود نژ فراز، نی از نشیب خوف و نی پروای جان در دیار دل، کنار دلبری جا می رود طفل اشکم گل فشان، در وادی مهر و وفا دیده ام اندر پی اشک بر تماشای رود خاک پای مردم و رمز آشنای خلفتم در ره مهر و وفا دل بی سرو پامی رود خانه دلها حمید باشد چنان ذات حق کعبه دل را خراب، حاجی به بطحا می رود

به بهاران بگو

از هریر آورده

باز جشن گل و گلستانست دیده بکشا که نر گلستانست به بهاران بگو که باشی سبز! به گلستان بگو که باشی نقر! به شگوفه که چشم تو روشن! کبک را گو بسا بز بشکن! به طراوت بخیز و بار بده! لاله را جلی در قطار بده به سپیده بگو قدم فرما! غنچه را گو که ناله را بکشا! ایسرا گو بیا تو بال افشان که ببارد به هر طرف باران شبینم از برگ گل زند برق عطر بیزان شود گل میخک به صبا گو سحر، به باغ آید دست خالی نه، با چراغ آید لاله و غنچه هر طرف خندان اشک از چشم بر کها غلطان هر طرف کلک سبزه ها شده تر باغ از صوت مرغکان محشر نونهالان شوخ آن کردند رخت سبزنوی به تن کردند به بهاران بگو که باشی سبز! به گلستان بگو که باشی نقر!

بهار آمد...!

هوا ابتری و باران نم نمک شد به بام خانۀ گلها چکک شد صدای غنچه ها از باغ برخاست پس دیوار شنیدی، خش خشک شد؟

درخت پیر پیهم داشت فریاد: بیا از من سنو، این گفته ای باد! که گشتم من ازین دم سردی بر باد، زمستان رفت، آرویش سیه باد!

بهار آمد زمان کشمش اوشد زهر خانه بلسند بوی بلو شد نیابی جای پای ماندن به جاده زدود و خاک موتر روز شوشد

به سال کهسه از بیکاری مردیم! یکی لسان شکم سیری نخوردیم! ز دالر روی خوش هرگز ندیدیم به دست شاخ چون غنچه فسردیم!

فرار

الحاج غلام محمد «فایر»

موج سراب دامن صحر است رفتنت رنگ غروب ساحل دریاست رفتنت از یک نگاه دل ز کف ما ربوده بی دیدم که وقت رفتن دلهاست رفتنت زلف سیاه و چشم چو بادام رخ چوماه در آسمان خاطره برجاست رفتنت تاریخ نموده بی بدل ما نشسته بی یعنی حریف کشور لیلاست رفتنت رفتی و دل بیاد تو در سینۀ می تپد ماییم و این دل تو و تهاست رفتنت تا در چمن گذر که نازت گذشته است غرق گلاب و لاله و رعناست رفتنت تا می روی بهار مرا می کی خزان یعنی خزان باغ میحاست رفتنت یوسف عزیز مصر و توهستی عزیز من آینه نمای زلیخاست رفتنت مانند نغمه سوز به ساز دلم شدی یعنی نوای تار رگ ماست رفتنت بودی نسیم صبح چمن در بهار ما اکنون مثال عطر دل آراست رفتنت عطر گلاب و سنبل و نرگس شدی ولی بگذشتی از کنارم و بیحاست رفتنت چون نقی پا به دامن صحرا نشان ما آری چون عاشق شید است رفتنت رفتی ولی بدایغ دل ما ندیده بی چون لاله داغ در دل رسواست رفتنت



پرسش های گزردمی

سعوده خزان

۳- مهمترین نشانه ها و وسایل امنیتی در چکستان کدام ها اند؟
ج: دیوار های چندین لایه
فیل - قیل سمتی
ک: خارچه های مملو از رنگ
چ: سیم های خاردار
ا: منع عکاسی و فلمبرداری از جاهای ویژه
ه: منع عبور و مرور
موتورهای نیمه شهری
بایسکل ها و موتور سائکل ها از جاده ها

۲- نشانه های بهار در شهر کاهپول کدام ها اند؟
خ: بوی دود
ا: بوی نازوت
ک: صدای انفجار و ابتجار
ب: گل ها و سبزه های دود افشان و دود زده
ا: غرش هواپیماهای غول پیکر
د: نسیم مسکن کننده لوش روها

۱- کدام جاده در شهر کاهپول است که اگر با زبان لیسیده شود، یک ذره گرد و خاک در آن بافت نمی شود؟
ش: جاده عمر حنی
ه: جاده سلیم سرخ
ر: جاده جاسودانی امرگاه
د: جاده کاهپول ترنا هوتل
ا: جاده مکرویان
و: جاده جاسودانی تیل فروشان
ی: جاده جاسودانی چرکستان

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**